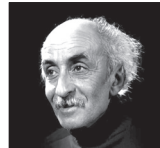




پیش بینی ۱۳ هزار میلیارد ریال برای تکمیل سد نورماب



گرگان؛ از ورکان هخامنشی تا گرگان امروز (تاریخ هیرکانیا، جرجان و استرآباد)



از تهی سرشار «یادداشت»



نسیم شمال

مرغوبترین برنج

و خشکبار ایران

تماس: ۰۹۱۱۲۶۹۰۶۷۸

یادداشت اول

سخن گفتن

■ احسان مکتبی

نگاهی به کلمات و سخنان برخی از صاحبان عرصه سیاست و اجتماع و مدیران به ما می گوید که گویا کلمات بی اعتبار شده اند، سخنی گفته می شود بدون آنکه طول و عرض آن سنجیده شود و بی آنکه گوینده بدانند شهروندان حافظه ای تاریخی دارند و حتی اگر حافظه آنها نیز مختل شده باشد، دهها رسانه و شبکه وجود دارد که مداوم در حال نقد و بررسی و به رخ کشیدن سخنان قبلی و حال حاضر گوینده هستند. دیروز حرفی می زند و امروز حرفی متفاوت، دیروز روشی پیشنهاد می داد و امروز دقیقاً همان سخنی را می گوید که صاحب منصبان دیروز می گفتند و بر آن نقد می کردند. نتیجه آن بی اعتباری است، اعتبار و بی اعتباری از کلام آغاز می شود، نهادینه می شود و در رفتارها جاری می شود و بعد از معدود زمانی متوجه می شوید که هیچکس، دیگری را قبول ندارد و به کسی اعتماد ندارد. آنکه مدیریت را به دست دارد قدر جایگاه خود را نمی داند و درکی از اعجاز سخن ندارد، و آنکه داشته ای ندارد، می خواهد به همگان توانایی خود را به رخ بکشد. از آن سو با چنین آشفته بازاری عاقلان و خردمندان گوشه ای می نشینند و به بازی خردسالانه این جماعت نگاه می کنند و حسرت می خورند که نباید کار چنین می شد. جناب سعدی در گلستان در لزوم توجه به سخن و کلام در باب تربیت، داستان ملک زاده ای را می گوید که به مکتبخانه رفته بود و از قضا آن معلم فاضل به او بسیار سخت می گرفت. فرزند پیش پدر رفت و از صجر و سختی گیری معلم شکایت کرد و آنگاه پادشاه از معلم می پرسد: پسران رعیت را چندین جفا و توبیخ روا نمی داری که فرزند مرا، سبب چیست؟ گفت: سبب آنکه سخن اندیشیده باید گفت و حرکت پسندیده کردن همه خلق را علی العموم و پادشاهان را علی الخصوص، به موجب آنکه بر دست و زبان ایشان هر چه رفته شود هر آینه به افواه بگویند و قول و عمل عوام الناس را چندان اعتباری نباشد.

ادامه در صفحه ۲

رئیس سازمان نظام مهندسی گلستان خبر داد:

ساختمان ها شناسنامه دار می شوند



بوده است. وی از چاپ بیش از ۱۳ عنوان کتاب در این زمینه خبر داد و گفت: تاکنون نزدیک به ۵۴ هزار نسخه از این کتابها چاپ شده است. این کتابها که در قطع پالتویی هستند، مورد استفاده مهندسان و کارگاههای ساختمانی قرار گرفته و با استقبال خوبی مواجه شده اند. رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان گلستان در جمع بندی اقدامات این سازمان گفت: مجموعه این اقدامات با دو هدف نهایی انجام می شود: تقویت جامعه مهندسی و افزایش تسلط مهندسان بر طراحی، نظارت و اجرا و در نهایت ایجاد آسایش و آرامش برای بهره برداران. وی در نهایت افزود: تمام فعالیتها و اهداف ما در جهت ترویج مقررات ملی ساختمان است؛ زیرا اگر مهندسان و مؤسسات در صحنه حضور داشته باشند و ساختمانهای ما با کیفیت ساخته شوند، عمر مفید آنها افزایش پیدا می کند و در نهایت جان و مال انسانها حفظ می شود.

اقدامات ویژه ای انجام داده است. وی در ادامه از طراحی نرم افزار تخصصی تعیین سطح بهینه سازی مصرف انرژی در این زمینه خبر داد و اظهار داشت: بهینه سازی مصرف انرژی فقط به استفاده از پنجره دوجداره محدود نمی شود. مصالحی که در کف، دیوارها، سقف و تمام اجزای ساختمان استفاده می شوند، ضرایب حرارتی دارند و برای آنها فرمولهایی وجود دارد که باید محاسبه شده و براساس آن مصالح مناسب انتخاب شود. به گفته ابراهیم پور، مهندسان سازمان این نرم افزار را با هدف جلوگیری از انجام تمام محاسبات به صورت دستی طراحی کرده اند و محاسبات مربوطه در نرم افزار انجام می شود. رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان گلستان، آموزش مقررات ملی ساختمان را از وظایف مستمر این سازمان دانست و گفت: سازمان نظام مهندسی ساختمان در ۲۰ سال اخیر به طور مداوم پیگیر آموزش مقررات ملی ساختمان

است. ابراهیم پور درباره مقررات ملی ۱۲ گانه ساختمان عنوان کرد: این قوانین درخصوص ایمنی ساختمانهاست که در حال حاضر، سعی داریم جنبه های اجرایی آن را گسترش دهیم. وی افزود: تا چند سال پیش داربستهای ساختمانی اغلب پوششی نداشتند؛ اما اکنون، دستکم بسیاری از ساختمانها داربستهای خود را با پوشش مناسب می بندند. همچنین راهپله های موقت از ایمنی لازم برخوردار نبودند و همین مسئله منجر به اتفاقات بسیار بدی شده بود. اکنون این موارد در حال اصلاح است. البته در این زمینه استثنائاتی وجود دارد. ما تلاش می کنیم این موارد را به شهرداری گزارش دهیم تا شهرداری با آنها برخورد کند. رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان گلستان در ادامه گفت: یکی از موضوعات مهم حال حاضر کشور، مدیریت مصرف انرژی است که سازمان نظام مهندسی ساختمان گلستان در این زمینه

مهران مودنی - رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان گلستان عنوان کرد: یکی از اهداف مقررات ملی ساختمان این است که هر ساختمان دارای یک شناسنامه باشد تا حقوق بهره برداران رعایت شده و استفاده کنندگان بدانند ساختمان با چه کیفیت و فرایندی ساخته شده است. صبح یکشنبه، ۱۵ شهریور ۱۴۰۵، محمد ابراهیم پور در حضور اصحاب رسانه درباره الزام شناسنامه دار شدن ساختمانها گفت: متأسفانه این موضوع تا امروز در کشور به صورت ناقص اجرا شده است؛ اما سامانه ملی شناسنامه فنی ملکی ساختمان کمک می کند این شناسنامه ها به روز و واقعی شوند. وی همچنین از طراحی کارتابل اختصاصی برای مالکان خبر داد و افزود: این کارتابل اکنون در مرحله آزمایشی قرار دارد و به زودی اجرایی می شود و هدف از طراحی آن، جلوگیری از مراجعات حضوری

پیش‌بینی ۱۳ هزار میلیارد ریال برای تکمیل سد نرماب



ظرفیت سایر منابع اعتباری کمک بگیریم که سد نرماب هرچه زودتر به بهره برداری برسد تا برای مردم شرق استان گلستان اقتصاد پایدار ایجاد کنیم. سد نرماب چهل چای مینودشت به عنوان یکی از مهم ترین طرح های عمرانی و زیربنایی استان گلستان، از نوع خاکی همگن با ارتفاع ۶۰ متر، عرض تاج ۱۰ متر و طول تاج ۸۰۷ متر است. این سد با ظرفیت ذخیره ۱۲۵ میلیون مترمکعب آب و قابلیت تنظیم سالانه حدود ۱۸۰ تا ۱۹۲ میلیون مترمکعب، علاوه بر تامین آب شرب پایدار برای بیش از ۵۵۰ هزار نفر از جمعیت شرق گلستان، تامین آب کشاورزی، بخشی از اراضی منطقه، کنترل سیلاب های فصلی، تغذیه سفدهای آب زیرزمینی، تولید ۵ مگاوات برق آبی، توسعه گردشگری و ایجاد هزاران فرصت شغلی مستقیم و غیرمستقیم را به دنبال خواهد داشت.

رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی گلستان گفت: تمام تلاش مسوولان در سطح ملی و استانی تامین منابع تکمیل سد نرماب از محل بودجه عمومی یا ظرفیت مولدسازی است و در سفر رئیس مجلس شورای اسلامی به استان و بازدید وی از سد نرماب قرار شد ۱۰ هزار میلیارد تومان از محل مولدسازی وزارت نیرو و اقتصاد تامین شود که در دست پیگیری است. عابدی ادامه داد: در سفر ۲۳ بهمن سال گذشته رئیس جمهور به گلستان هم سه هزار میلیارد تومان برای سد نرماب مصوب شد تا به ظرفیت اعتباری اضافه شود و در سازمان برنامه و بودجه هم تلاش داریم در کوتاهترین زمان این منابع را ابلاغ کنیم و تخصیص دهیم تا پروژه سد نرماب سریعتر به بهره برداری برسد. وی تاکید کرد: علاوه بر منابعی که به سمت این پروژه هدایت شد تلاش داریم از

رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی گلستان با تاکید بر اهمیت سد نرماب برای رونق اقتصاد شرق استان، گفت: امسال رقم اعتباری پیش‌بینی‌شده برای این پروژه مهم و زیرساختی ۱۳۰۰ میلیارد تومان است. به گزارش روابط عمومی، قدرت الله عابدی اظهار امیدواری کرد: در گام نخست با جابجایی روستای جنگلده بالا که بیش از ۸۵ درصد پیشرفت فیزیکی دارد یک سوم سد نرماب آبیگری شود و در گام بعدی تصفیه خانه، خط انتقال و شبکه ایجاد شود تا ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر از مردم شرق استان از آب آشامیدنی مطمئن، سالم و پایدار برخوردار شوند. وی ادامه داد: در کنار آن با توجه به آغاز عملیات اجرایی طرح زهکشی و شبکه آبیاری سد نرماب در دهه فجر، امیدواریم برای ۱۰ هزار هکتار از زمین‌های کشاورزی شرق استان گلستان آب مطمئن تامین شود و علاوه بر آن به بخش صنعت هم آب مناسب تخصیص داده شود. رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی گلستان با اشاره به اینکه سیلاب همیشه علاوه بر خسارات به زیرساخت‌ها و اقتصاد، بخش زیادی از سکونتگاه‌های مردم در حوزه روستایی و شهری را تهدید می‌کند، گفت: به طور قطع با تکمیل سد نرماب می‌توان سیلاب و خسارات آن را مدیریت کرد. عابدی نرماب را سد امید مردم شرق گلستان دانست و بیان کرد: این سد با جمع آوری آب سه رودخانه و تامین آب آشامیدنی مردم، حوزه صنعت و بخش کشاورزی باعث تحول اقتصادی منطقه می‌شود و دولتمردان تکمیل این پروژه را جزو دغدغه اصلی خود قرار دادند. وی افزود: دولتمردان به عنوان خادمان مردم در گلستان تلاش دارند پروژه‌های بزرگ استان از جمله سد نرماب زودتر به بهره برداری برسد و تاکنون بیش از (۳۵۰۰ میلیارد تومان) برای ساخت آن هزینه شده و برای تکمیل پروژه به منابع بیشتری نیاز داریم.

ادامه یادداشت اول

سخن گفتن

اگر صد ناپسند آید ز درویش
رفیقانش یکی از صد ندانند
وگر یک بذله گوید پادشاهی
از اقلیمی به اقلیمی رسانند

باید بدانیم بنیان زندگی اجتماعی و اساس
حکمرانی در اعتماد عمومی به یکدیگر
است و آغاز همه اینها با کلام است. با کلمه
دوستی ها آغاز می شود و با کلمه دشمنی
ها به پایان می رسد. وقتی شهروندان به
مدیران و یکدیگر اعتماد نداشته باشند، نتایج
این بی اعتمادی را باید مدام در پیچ و خم
های دادگاههای قضایی دید. درست، دقیق و
اندازه سخن بگوییم تا مجبور نباشیم هر روز
هزار وصله برای توجیه بسازیم.



برخی شهرهای تازه تاسیس فاقد کتابخانه عمومی هستند

استاندار گلستان با اشاره به وجود ۶۱ کتابخانه عمومی در شهرهای مختلف استان، گفت: تعداد کتابخانه‌های عمومی در بعضی از شهرهای بزرگ بیشتر است اما بعضی از شهرهای کوچک تازه تاسیس استان کتابخانه عمومی ندارند که خدمات از طریق کتابخانه سیار ارائه می‌شود. به گزارش روابط عمومی، علی اصغر طهماسبی در نشست انجمن کتابخانه‌های عمومی گلستان، اظهار امیدواری کرد: از طریق اداره کل راه و شهرسازی، زمین در اختیار نهاد کتابخانه‌های عمومی استان فرار گیرد و فضای کتابخانه‌ها با کمک شهرداری و خیران ساخته شود تا جوانان و مردم شهرهای کوچک تازه تاسیس هم از این فرصت استفاده کنند. وی با تأکید بر اینکه توسعه کتابخانه‌ها زمینه‌ساز ارتقای شاخص‌های فرهنگی گلستان است، گفت:

همه افراد جامعه برای کمک به این عرصه باید به میدان بیایند و ایده‌ها و طرح‌های خود را برای ترویج فرهنگ کتابخوانی مطرح کنند. استاندار گلستان افزود: همچنین همه دستگاه‌ها موظف هستند تکالیف قانونی خود را برای حمایت از کتاب و کتابخوانی در استان انجام دهند تا تمام اقشار جامعه از فرصت مطالعه بیشتر بهره‌مند شوند. طهماسبی بیان کرد: طرح‌های توسعه فرهنگ کتابخوانی در استان گلستان از جمله اجرای برنامه‌های مدرسه‌محور با همکاری آموزش و پرورش و طرح اهدای دانش، باید ویژه پیگیری شود. وی همچنین بر لزوم استفاده از نیم درصد بودجه فرهنگی شهرداری‌ها برای توسعه کتابخانه‌ها تأکید کرد و از اداره کل امور شهری خواست پیگیری لازم را برای تحقق این سهم قانونی انجام دهد. استاندار گلستان ابراز امیدواری کرد که اجرای این برنامه‌ها موجب ارتقای فرهنگ مطالعه و افزایش مشارکت فرهنگی در سراسر استان شود.

« آگهی ثبتی

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه احمد، فرخنده اینچه برون فرزند عطا با ارائه دو برگ استمضایه گواهی شده توسط دفتر ۲۲۷ قلا به شماره درخواست ۳۸-۱۰۵۶۶۶۶۶۰۰۰۰ مورخه ۱۴۰۰.۰۶.۱۵ دفتر ۲۲۷ قلا ادعا نموده که سند مالکیت ششادگان یک قطعه زمین با بنای احداثی دارای اراضی کل به شماره ۷۷۷۷۷۷۷۷ به اصلی بخشی ثبت اق قلا قام اخذ فرخنده اینچه برون فرزند عطا به شماره ملی ۴۹۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰ متولد ۱۳۷۸ و به شماره چاپی ۳۵۴۳۲ سرج چ سال ۱۴۰۴ و از نوع کاداستری مسبوق به سابقه ثبت و صدور سند مالکیت بوده، که بعلمت جایگاهی مفورگوریدیه، نامبرده تقاضای صدور سند مالکیت المثنی را از این اداره نموده است؛از این رو باستناد ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت اکلی می گردد تا هر کسی نسبت به ملک مورد اکلی معامله دیگری انجام داده دامدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار اکلی، به ثبت محل مراجعه و اعتراض کتبی خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نمایند در غیر انصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد.

احمد نیوان - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک الق قلا - م ف الف ۶۶۶:

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود سندانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۷۶۰ مترمربع به ۱۴۵۰ از ۶ اصلی واقع در اراضی نصرآباد ملکی فاطمه سعداتی فرزند جعفر ساعت ۹ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۳۸۵/۷/۲۰ در محل وقوع ملک و در شهرستان گرگان، اراضی نصرآباد بازدید بعمل خواهد آمد و اگر روز تحدید حدود تعطیل باشد روز بعد از تعطیلی انجام میگردد از این روز پنجشنبه مجاورى نسبت به حدود با حقوق ارتفاقی حقى برای خود قائل است متبعا فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم مجامع مجامع تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مراجع ثبتی ادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثابت یا نایبانه فارغ می‌گردد و می‌تواند بدگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم ادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدینوسیله در صورت عدم



گرگان؛ از ورکان هخامنشی تا گرگان امروز

(تاریخ هیرکانیا، جرجان و استرآباد)



محمد صفری نژاد

«سپس اهوامزدا سرزمین Varkāna (Hyrkania) را آفرید.»

و نندیداد، فرگرد ۱

گرگان، سرزمینی باستانی در ناحیه جنوب شرقی دریای مازندران بوده است که در منابع یونانی، هیرکانیا، در فارسی باستان ورکانه و در عربی جرجان نام داشته است. براساس منابع تاریخی قدمت حضور بشر در منطقه ی ما (استان گلستان) به ده ها هزار سال قبل برمی گردد، از کشف بقایای حضور انسان در غار "کیارام" روستای فرنگ از توابع دهستان فارسیان شهرستان گالیکش که گفته می‌شود به حدود دوره پارینه سنگی میانه (موسترین) بین ۱۰ تا ۲۵ هزار سال پیش و نقش گردونه مهر چلیپایی (صلیب) بر دیواره ی غار (که متأسفانه چند سال پیش توسط افراد ناآگاه تخریب شد) تا تپه های باستانی منطقه که محل اسکان انسان های محلی بوده اند.

امروزه بقایای شهر تاریخی گرگان در حاشیه جنوب غربی شهر گنبدکاووس قرار دارد. این محوطه باستانی بین دو رودخانه گرگانرود و چهلچای واقع شده و این رودخانه‌ها همچون تمام تمدن های قدیم در شکل‌گیری آن مؤثر بوده‌اند. این شهر در بیش از هزار سال قبل، از فاضلاب شهری،

خیابان‌های سنگفرش و سیستم آبرسانی بهره می‌برده است. این شهر در دوران قبل و بعد از اسلام رونق و اعتبار بالایی داشته است. نام پارسی گرگان برگرفته از ریشه اوستایی vahrkō. و پارسی باستان آن است. ریشه پهلوی warg. و واژه طبری و گیلکی ورگ verg/varg و نهایتاً فارسی گرگ، همگی از یک ریشه کهن هندوایرانی می‌آیند، واژه وهرکان Vahrkān و یا شکل هخامنشی آن Varkāna نام باستانی این منطقه بوده، در واقع یک نام جغرافیایی است که بر اساس فراوانی گرگ‌ها در این منطقه انتخاب شده است. دانشنامه ایرانیکا معنی نام گرگان را «سرزمین گرگ‌ها» و جرجان را عربی شده آن می‌داند. این منطقه پیش از شاهنشاهی هخامنشیان جزو شاهنشاهی ماد بود که بعدها در حدود سال‌های ۵۴۹ تا ۵۴۸ پیش از میلاد ولایت گرگان به همراه سرزمین‌های پارت و احتمالاً ارمنستان توسط کوروش بزرگ تسخیر و تبدیل به یکی از سرزمین‌های مهم و کلیدی در دوره هخامنشیان می‌شود. در سنگ نوشته بیستون داریوش نام ایالت وُرْکَا یا وُرْکانه، ذکر شده، در وندیداد به صورت وِهْرْکانه آمده و شکل لاتین آن نیز هیرکانیا است. هیرکانیه، وارکانا و بارکانا اشکال دیگر نام «گرگان» هستند. در لشکرکشی معروف کوروش کبیر به بابل مردم ایالت گرگان نیز حضور داشته اند. هروdot می‌گوید: سپاه کوروش از مردمان گوناگونِ سراسر شاهنشاهی ایران تشکیل شده بود، شامل پارسی‌ها،

مادی‌ها، باختری‌ها، پارت‌ها و مردمان هیرکانی. در دوره اشکانیان، ورکانه با سرزمین پارت، که سرزمین خاستگاه خاندان اشکانی بود، ارتباط نزدیکی داشت، گاه شاهان اشکانی در عقب‌نشینی پس از شکست در برابر سلوکیان به ورکانه باز می‌گشتند. در جنگ‌های تیرداد سوم و اردوان سوم (اشکانی)، اردوان توانست به سوی گرگان عقب‌نشینی کرده و با کمک سپاهیان هیرکانی به قدرت رسد. از همین حیث، زبان گرگانی و زبان پهلوی اشکانی دارای وابستگی عمیقی بودند. بعد از سقوط حکومت پارتی (اشکانی) توسط اردشیر سوسانی حکومت ساسانی، حکومت مستقل گرگان نیز زیر سلطه اردشیر درآمد. این منطقه که در دوره هخامنشی ورکان نامیده می‌شد در دوره ساسانی عموماً تحت عناوین گورگان Gurgān که اشاره به همان «گرگ» دارد شناخته می‌شده است. در دوره ساسانی، تقسیمات اداری دیگر «ساتراپی» زمان هخامنشی نبود، بلکه «استن» (استان) نامیده می‌شد. گورگان در این زمان از مواضع دفاعی ایرانیان در برابر هجوم اقوام وحشی بوده است. در این دوره نام گرگان به عنوان استانی مستقل در کتیبه سه زبانه شاپور در کعبه زردشت و اثر مهرهای اداری این دوره آمده است. مرکز آن شهری همنام استان یعنی گرگان و جزو دارالضرب های دولت ساسانی بود. اگرچه در مورد موقعیت این شهر ساسانی اطلاعی دقیق در دست نیست



اما به گمان قوی همان شهر تاریخی گرگان حوالی گنبدکاووس کنونی بوده است. ورکانه در این زمان از مواضع دفاعی ایرانیان در برابر هجوم اقوام وحشی بیابان‌گرد بخصوص هونها (هپتالیان

در سنگ نوشته بیستون داریوش نام ایالت وُرْکَا

یا وُرْکانه، ذکر شده، در وندیداد به صورت

وِهْرْکانه آمده و شکل لاتین آن نیز هیرکانیا است

هیرکانیه، وارکانا و بارکانا اشکال دیگر نام

«گرگان» هستند.

یا هونها (سفید) یکی از قدرتمندترین و خطرناک‌ترین دشمنان ساسانیان که از شمال شرقی به مرزهای ایران حمله می‌کردند بوده است. چند تن از پادشاهان ساسانی در آنجا دیوارهای بزرگی

در برابر یورش قبایل وحشی بنا کردند که نمونه آن دیوار بزرگ گرگان است که توسط باستان‌شناسان انگلیسی به «مار سرخ» شهرت یافت (بدلیل ساخته شدن آن با آجرهای قرمز رنگ) و به نام «قرل آلان» نیز معروف است. با ۲۰۰ کیلومتر طول و ۱۰ متر پهنا دومین دیوار دفاعی طولانی جهان پس از دیوار چین است. برخی منابع ساخت اولیه آن را به پیروز اول نسبت می‌دهند و بسیاری از تاریخ نگاران معتقدند که بخش عمده یا تکمیل نهایی آن توسط خسرو انوشیروان دادگر انجام شده است. خسرو اول چون به پادشاهی رسید در ناحیه صول، در شمال ورکانه، شهرها، قلعه‌ها، باروها و بناهای بسیاری از سنگ ساخت. وجود برج های دیده بانی و قلعه های متعدد در منطقه داخلی این دیوار، ویژگی های منحصر به فردی به آن داده است که بیانگر صنعت پیشرفته تدافعی آن دوران است. (البته پژوهش‌های جدیدتر نیز با تاریخ‌گذاری رادیوکربن و OSL ساخت آن را به سده‌های پنجم و ششم میلادی مربوط می‌دانند و ارتباط آن با دوره پیروز اول را مطرح می‌کنند.)

سقوط تیسفون و فرجام ساسانی، ایران را نه به ثباتی نو، بلکه به میدانی برای تضادهای شدید ایدئولوژیک و ظهور سلسله‌های محلی در برابر قدرت نوظهور خلافت تبدیل کرد، دورانی که با خشونت فزاینده‌ای در مرزها و مرکز همراه بود. این منطقه در دوره اسلامی، همواره در یکی از دو سرزمین طبرستان یا خراسان بوده است، گرگان نزدیک به یک سده منطقه‌ای حائل میان اسپهبدان طبرستان (بخش شرقی مازندران را به لقب شاهان آن ناحیه اسپهبد یا اسپهبدان نامیده اند) و مهاجمان عرب بود. به گفته طبری مورخ و مفسر بزرگ ایرانی (۲۱۸-۳۰۱ ه.خ) نخستین بار اعراب پس از فتح نهاوند در سال ۲۰ خورشیدی در منطقه گرگان حضور یافتند، چنان‌که سَویَد بن مَقَرَن پس از فتح ری و قومس (ناحیه‌ای که امروز تقریباً برابر با استان سمنان و بخش‌هایی از دامغان، شاهرود، و گرمسار است) در طبرستان اردو زد، سپس برای حاکم گرگان -رزبان صول*- نامه نوشت و به سمت گرگان حرکت کرد. (در آن زمان به حاکمان منطقه گرگان صول می‌گفتند) رزبان صول صلح را پذیرفت و بین او و سوید پیمانی منعقد شد. مجدد

در سال ۲۹ خورشیدی سعیدبن عاص (والی کوفه در زمان خلافت عثمان) که برای جلوگیری از نفوذ شورش خراسان به گرگان مأمور شده بود از حاکم محلی ۲۰۰ هزار درهم گرفت و با او صلح کرد. زرین‌کوب با استناد به منابعی چون تاریخ طبری و فتوح البلدان بلاذری، شرح می‌دهد که سعید بن عاص پس از عبور از گرگان به دژ مستحکم «طمیس» (تمیشه) که در مرز گرگان و طبرستان واقع بود رسید، این شهر دارای دژی بود که آن را از هجوم بیابانگردان محافظت مینمود، روایت است که سعید بن عاص از دیدن عظمت دژ نماز خوف خواند، مردم و مدافعان شهر مقاومت سختی کردند و سرانجام بر سر امان‌نامه به توافق رسیدند، اما به دلیل ابهام در لفظ امان‌نامه «به شرطی که یک تن را نکشد»، پس از تسلیم شدن قلعه، مدافعان آن کشتار شدند. این واقعه در روایت کتاب به عنوان یکی از رخدادهای تلخ ورود اعراب به سرحدات طبرستان به تفصیل ذکر شده است. تمیشه در این متون همواره مرز حائل میان سرزمین‌های مفتوحه (گرگان و خراسان) و سرزمین خودمختار طبرستان تعریف می‌شود. به نوشته طبری در سال ۹۵ ه.ش یزید بن مَهْلَب پس از فتح مجدد گرگان، جَهْم بن زَحْر بن قیس جُعْفی را به عنوان حاکم این منطقه منصوب کرد.

این اقدام در راستای تثبیت حکومت امویان در مناطق شرقی خلافت اسلامی صورت می گرفت. سرانجام پس از حدود یه سده درگیری در این نواحی شهر گرگان آسیب های جدی دید، اما با تدبیر حاکمان محلی به‌طور کامل نابود نشد؛ حتی در قرون بعدی (دوره طاهریان، سامانیان، زیاریان) قرن سوم و چهارم شمسی دوباره رونق گرفت و مرکز علم و تمدن شد. گرگان پیش از استقلال علویان طبرستان جزئی از ولایات امرای طاهریان بودند. در سال ۱۱۷ ه.ش در زمان خلافت هشام بن عبدالملک (خلیفه اموی) در منطقه خراسان، به‌ویژه جرجان و طبرستان شخصی به نام یحیی بن زید قیام کرد. یحیی نوه امام سجاد بود که نسبش با سه واسطه هم پدری و هم مادری به حضرت علی (ع) می‌رسید، او پس از کشته شدن پدرش در کوفه، از عراق گریخت و به مناطق شرقی‌تر رفت تا در خراسان (سرزمین پهناور ایران آن روز) هواداران بیشتری بیابد. در آن زمان خراسان و شمال ایران پر از مخالفان اموی بود، ایرانیان ناراضی، شیعیان پنهانی، و کسانی که از مالیات و تبعیض امویان خسته بودند.

او به شهرهای شمال شرقی ایران آمد، مردم را دعوت به بیعت کرد و در سال ۱۲۱ ه.ش در ناحیه جرجان سپاهی از اندک یارانش تشکیل داد. زمینه تاریخی و علت قیام یحیی بن زید عبارت بودند از، اعتراض به ظلم و ستم امویان، خصوصاً نسبت به اهل بیت پیامبر، احیای عدالت و حکومت شایسته علویان به جای نظام اموی فاسد و انتقام خون پدرش زید بن علی که دشمنانش به جسدش اهانت کرده بودند (آویختن آن به دار در کوفه). اما حکومت اموی واکنشی سریع نشان داد: در نبردی در نزدیکی جرجان، سپاه کوچک یحیی شکست خورد و در همان سال به دست نیروهای اموی کشته شد. پیکرش را مدتی بر دروازه شهر آویخته بودند، مانند رفتار آنها با پدرش زید در کوفه، پس از چندی توسط مردم منطقه به طور محترمانه دفن شد. در منابع تاریخی درباره محل دقیق شکست یحیی اختلاف وجود دارد.

برخی روایت‌های متأخر محل آن را جرجان دانسته‌اند، اما منابع پژوهشی معتبرتر، از جمله گزارش‌های بازتاب‌یافته در ایرانیکا، محل شکست و کشته شدن او را ارغونه در جوزجانِ خراسان قدیم (افغانستان امروزی) می‌دانند.

(مزار دیگری نیز منتسب به «یحیی بن زید» در سرپل افغانستان قرار دارد). یحیی بذر مخالفت با امویان را کاشت و همین موج، بعدها زمینه ساز نهضت عباسیان شد که از خراسان آغاز شد و امویان را سرنگون کرد. از دید مذهبی، شیعیان زیدی او را شهید راهِ حق دانستند و بقعه او به نماد وفاداری مردم شمال ایران به اهل بیت تبدیل شد. امروزه امامزاده یحیی بن زید در شهرستان گنبدکاووس در نزدیکی شهر تاریخی جرجان قرار دارد. در نتیجه این درگیری ها، بخش بزرگی از جمعیت و نخبگان شهر به مرور به سمت ناحیه‌ای آبادتر و قابل دفاع‌تر در حوالی امامزاده یحیی بن زید (ع) در کنار رودخانه کوچ کردند، جایی که بعدها به نام جرجان شناخته شد. در بعضی روایات ایجاد شهر جدید اسلامی جرجان یا جرجانیه را به یزیدبن مُهَلَب نسبت داده اند. او شهر جدید را برای تقویت موقعیت نظامی و اداری مسلمانان در برابر مردم محلی و مرزهای شرقی (مانند خزرها) بنا نهاد. در دوره‌های بعد شهر جرجان به مرکز منطقه تبدیل شد و عملاً جایگزین گرگان قدیم شد. بنابراین با توجه به شواهد و مستندات تاریخی می توان گفت تسلط آئین اسلام در این مناطق آهسته بوده است.

همانطور که گفته شد حاکمان و مردمان این نواحی تا روی کار آمدن علویان (نخستین حکومت شیعی در ایران) از سرسخت‌ترین دشمنان خلافت امویان و عباسیان بودند. این دشمنی‌ها سبب شد تا شیعیان به دنبال مقرّی برای خویش در این منطقه باشند.

سادات علوی نیز در برابر فشار منصور و پس از او هادی، مهدی و رشید، به این نواحی کوچیدند، مناطق کوهستانی و جنگلی طبرستان و گیلان به دلیل دوری از مرکز خلافت (بغداد) و مقاومت بومیان پناهگاهی طبیعی برای سادات بود. این مهاجرت‌ها نهایتاً منجر به قیام حسن بن زید داعی کبیر (از نوادگان امام حسن مجتبی (ع)) در سال ۲۴۲ ه.ش شد. او اولین دولت شیعی ایرانی (علویان طبرستان) را تأسیس کرد. با این حال اندک‌اندک، حکومت علویان در طبرستان دچار اختلافات داخلی شد و فروپاشید. اسفار بن شیرویه، مرداوِیج زباری، ماکان کاکِی و آل بویه، از فرماندهان نظامی سپاهیان علوی بودند که پس از مدتی اعلان استقلال کردند و قدرت یافتند. مهم‌ترین ضربه را مرداوِیج زباری (بنیانگذار سلسله زباری که او هم از دیلمیان بود) در اوایل قرن چهارم وارد کرد. او در سال ۳۰۶ ه.ش به طبرستان یورش برد و به حکومت علویان رسماً پایان داد. ایالت گرگان که آب‌وهوای نیمه‌گرمسیری داشت، مانند مانعی بود که صحرای قرقوم و فراتر از آن، استپ‌های داهستان را در شمال‌غربی خود، از آب‌وهوای مازندران جدا می‌کرده است. این ناحیه که توسط رودخانه‌های گرگان و اترک تغذیه می‌شود، به روایت جغرافی‌دانان مسلمان، در اوایل دوره اسلامی ناحیه‌ای حاصلخیز برای کشاورزی بوده است. قرار داشتن گرگان بین دو رودخانه گرگان رود و چهل جای سبب رونق کشاورزی و دامپروری در این شهر شده است و در کنار این دو پیشه، مردم به سفالگری، فلزگری و صنعتگری نیز مشغول بوده و امورات خود را

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

گرگان در سال ۱۳۰۲

منشی تا گرگان امروز

جران و استر آباد

دندانقان سلطان مسعود غزنوی را شکست داده بود، از نایسامانی در ملک زیاریان و رویدادهای آنجا مطلع شد و برای تسخیر گرگان، نیرو فرستاد. برادر طغرل بیک، چغری بیک به راحتی با لشکریانش وارد شهر گرگان شد. خوارزمشاهیان که در ابتدا به عنوان دولتی دست نشانده از طرف امپراتوری سلجوقی بودند بدلیل موقعیت جغرافیایی خوارزم در حاشیه آمودریا و نزدیکی به مسیرهای تجاری مهم توانستند پس از مدتی، به یک پادشاهی مستقل و قدرت برتر منطقه تبدیل شوند. در همان زمان بود که چنگیزخان پس از چیره شدن بر چین و بخشی از آسیای مرکزی



با خوارزمشاهیان همسایه شد. روابط بین خوارزمشاهیان و چنگیز خان در ابتدا حالت تجاری داشت. در اواخر قرن ششم چنگیز خان برای برقراری روابط تجاری، یک هیئت بازرگانی متشکل از حدود ۴۵۰ نفر (شامل تعدادی از بازرگانان و چند فرستاده رسمی) به شهر اترار (یا ارنج) فرستاد (ویرانه های این شهر امروزه در کشور قزاقستان است)، اما حاکم شهر اترار (احتمالا ایننوچ/اینانج) که یکی از فرماندهان سلطان محمد بود، بدون مشورت با سلطان، فرستادگان مغول را به اتهام جاسوسی یا نقض قرارداد، اعدام کرد و اموال آنها را مصادره نمود. هنگامی که چنگیز خان با نیت حفظ روابط تجاری فرستاده‌ای رسمی (سفیر) را برای اعتراض و مطالبه غرامت فرستاد سلطان محمد خوارزمشاه به جای عذرخواهی و تحویل دادن حاکم خاطی (اینانج) دستور قتل سفیر مغول را صادر کرد و ریش سفیدان هیئت را نیز به دستور شخص خود یا به صورت نمادین کشت. این اقدام از دیدگاه چنگیز خان نه تنها توهین به حاکمیت او بود بلکه اعلان جنگ محسوب می‌گردید و از نظر استراتژیک و دیپلماتیک یک اشتباه محاسباتی مهلک بود که به نابودی امپراتوری خوارزمشاهیان و آغاز دوران پراشوب مغول در ایران انجامید. در این زمان، سلطان محمد خوارزمشاه قدرتمندترین حاکم منطقه بود و بر تمام ماوراءالنهر و ایران مرکزی فرمانروایی می‌کرد. او برخلاف پدرش که از مغول‌ها پرهیز می‌کرد متکبر بود و تصور می‌کرد که امپراتوری وسیع و ثروت زیاد او می‌تواند در برابر نیروی نوظهور مغول مقاومت کند. او محاسباتش در مورد قدرت نظامی مغول و عدم اتحاد دولت‌های اسلامی منطقه اشتباه

بود. پس از آغاز تهاجم چنگیز در اواخر قرن ششم سلطان محمد خوارزمشاه از ماوراءالنهر به سمت خراسان و شهر بلخ رفت تا از انتقام چنگیز در امان بماند. در عرض کمتر از یک سال بیشتر از نیمی از سپاه او توسط دشمن نابود شده بود و تعقیب مداوم سلطان توسط چنگیز باعث شد سلطان موفق نشود نیرویی جمع کند. و در این بین با تعقیب و گریز سواران مغولی و فرار سلطان محمد خوارزمشاه یک به یک شهرهای ایران مورد هجوم و غارت مغولان قرار گرفت. سلطان محمد که دیگر راه فراری نمیدید با مشورت همراهان جزیره آبسکون (اکنون محل دقیق آبسکون شناخته نیست اما عده ای این جزیره را همان جزیره آشوراده فعلی می دانند) را برای پنهان شدن و در امان ماندن برگزید. بنابراین بندر آبسکون، مهم‌ترین بندر دریای کاسپین آخرین پناهگاه سلطان محمد خوارزمشاه آخرین پادشاه سلسله خوارزمشاهیان شد. هنگامی که سلطان به جزیره رسید از لحاظ جسمی بسیار ضعیف شده بود و از ناحیه سینه و ریه احساس درد می‌کرد. سلطان چهار ماه در جزیره آبسکون زندگی کرد؛ در این مدت سه تن از پسرانش یعنی جلال الدین و آق شاه و ولیعهد اوزلاغ شاه همراه پدرشان بودند. او در همین دوران بود که جلال الدین را که پسر بزرگ‌تر و لایق‌تری برای اداره امور بود به جای اوزلاغ شاه که به اجبار مادرش او را انتخاب کرده بود، منصوب کرد و سپس درگذشت و در همان‌جا به خاک سپرده شد. مدتی بعد جلال الدین استخوان‌های پدرش را به قلعه اردهن در ری منتقل کرد که توسط مغولان نبش قبر شد و سوزانده شد. سپاهیان چنگیزخان و پس از او جانشینانش بسیاری از شهرهای بزرگ و آباد ایران را تخریب کردند. شهر جرجان نیز که در آن زمان یکی از مراکز مهم و پررونق خراسان و شمال شرق ایران بود از این حملات در امان نماند. این شهر پس از حمله مغول‌ها هرگز به شکوه و رونق پیشین خود بازنگشت و به تدریج اهمیت خود را از دست داد و به تلی از ویرانه‌ها تبدیل شد. بسیاری از منابع می‌گویند، جرجان در اوایل قرن پنجم ه.ش در زمان ورود سلجوقیان دیگر آن شکوه گذشته را نداشته، دچار ویرانی شدید و کاهش جمعیت شده بود، و بخش‌هایی از آن بر اثر درگیری‌های داخلی، ضعف آل‌زیار، حملات قبایل ترک، و سپس هجوم سلجوقیان مخروب یا متروک بود. این خرابی پیش از یا هم زمان با ورود سلجوقیان رخ داده و در سده‌های بعد، قرن هفتم و هشتم در جنگ با مغول ها و حمله تیمور از این شهر جز ویرانه، چیزی باقی نماند و تنها برج قابوس از آن به یادگار ماند. (تیمور در این محل کاخی ساخته بود که به شاسمان معروف بود.) البته زمین‌لرزه‌های سده‌های نهم و دهم هجری نیز در ویرانی آن مؤثر بودند. منابع تاریخی متعددی از جمله تاریخ جهانگشای جوینی و جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله همدانی به صراحت به ویرانی جرجان به دست مغول‌ها اشاره کرده‌اند. امروزه ارگ و چند تپه حاوی آثار که توسط رودخانه تقسیم شده در

سلسله آل باوند از آغاز تا زوال به سه شاخه

تقسیم می‌شود: کیوسیه، اسپهبدیه، کینخواریه.

اسپهبدیه که فرمانروایان آنان در طبرستان و دیلم و

گیلان و ری و قومس و گرگان و داهستان حکومت

داشتند و شهر ساری پایتخت ایشان بود

جانب جنوبی پشت امامزاده یحیی بن زید (ع) قرار دارد. در بررسی های باستان شناسی بناهای مذهبی در نزدیکی ارگ شهر قرار داشته و یک مسجد چهارایوانی کشف گردید که احتمالاً در دوره مغول خراب شده و دیگر ساخته نشده است. واحدهای مسکونی دارای چاه آب، آذوقه و فاضلاب بوده و منازل دارای حیاط مرکزی و اتاق های متعددی با تزئینات گچی و آجری بود و کانال سرتاسری فاضلاب در شهر وجود داشته است. سرانجام عده ای از اهالی باقی مانده ی جرجان به کنار مقبره کاووس پسر وشمگیر، چهارمین امیر زیاری یا همان گنبدکاووس

مهاجرت کردند و تشکیل یک آبادی را دادند و عده ای نیز به سمت غرب (استرآباد) گرگان فعلی کوچ کردند.

یونسکو برج را یک شاهکار معماری آجری و نمونه‌ای برجسته از طراحی سازه‌ای مبتنی بر هندسه می‌داند. برج گنبد قابوس (ساخته شده در سال ۳۸۵ ه.ش) یادگار پادشاهی قابوس بن وشمگیر از خاندان زیاریان است. این اثر ارزشمند مقبره قابوس بن وشمگیر است که ۵۳ متر ارتفاع دارد و بلندترین برج تمام آجری جهان است. او بعد از مرگ بیستون، برادر خود، با کمک سامانیان به قدرت رسید. خلیفه عباسی فرمان و خلعت حکومت طبرستان و گرگان را برای او صادر کرد و به او لقب شمس المعالی داد، شمس المعالی قابوس، فردی دانش دوست، نویسنده و خوشنویس بود و به فرهنگ علاقه داشت، او دستور داد این بنا را بسازند تا پس از مرگش در آنجا دفن گردد. (این بنا امروزه در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده.) در قرن‌های بعد، مردم بیشتری در اطراف برج سکونت کردند و کم‌کم شهر جدیدی شکل گرفت که نامش را گنبد قابوس یا گنبدکاووس گذاشتند. ابوریحان بیرونی چندین سال را در دربار او سپری کرد و کتاب خود آثارالباقیه عن القرون الخالیه را نیز نوشت و به قابوس بن وشمگیر تقدیم کرد. ابن‌سینا نیز به حدود سال‌های ۴۰۳ تا ۴۰۵ قمری در دوره جوانی خود مدتی در جرجان اقامت داشت، در آن زمان او پس از ترک بخارا و خراسان – به دلیل نا آرامی‌های سیاسی و سقوط سامانیان – به گرگان رفت تا در پناه قابوس بن وشمگیر زندگی کند. قابوس از دانشمندان حمایت می‌کرد و ابن‌سینا در محیطی نسبتاً امن و علمی قرار گرفت. ابن‌سینا در همین زمان «قانون در طب» را آغاز کرد (از مهم‌ترین آثارش). همچنین آغاز نگارش کتاب «الشفاء» نیز به همان دوران نسبت داده می‌شود. گفته شده در آنجا شاگردان و دوستانی چون ابو عبید جُوزجانی را ملاقات کرد که بعدها شاگرد و همدم نزدیک او شد. پس از آن ابن‌سینا به ری و سپس به همدان رفت و در آنجا به وزارت آل‌بویه رسید. این آبادی به تدریج گسترش یافت و در اواسط دوره رضاشاه، شهر گنبدقابوس (گنبدکاووس کنونی) جانشین شهر جرجان یا همان گرگان باستانی شد. بنابراین می‌توان گفت گنبدکاووس امروزی روی یا نزدیک به ویرانه‌های «جرجان تاریخی» ساخته شده است. نام ولایت جرجان (گنبدکاووس کنونی) تا دوره صفویه در منابع دیده می‌شود و ظاهراً یکی از تقسیمات کشوری در این دوره بوده است، به طوری که در سال دوازدهم جلوس شاه عباس بزرگ حکومت گرگان به فرهاد خان، حاکم مازندران تفویض شد. پس از ورود اقوام عشایر و بیابان‌گرد ترک‌تبار به منطقه، تدریجاً برخی از شهرهای منطقه برای همیشه نابود شدند و به جای آن اقوام ترکمن و ترک، در جرجان ساکن شده و به مرور شهرهایی ایجاد کردند. ایل‌های ترکمن به نواحی جنوب شرقی دریای مازندران نفوذ کردند و از قرن هشتم شمسی، ترک‌تبارها جای گرگانیان پیشین را گرفتند. در کاوش های اخیر جرجان، اشیای گوناگونی به دست آمد که همگی نشان دهنده تبحر هنرمندان جرجانی در قرون گوناگون است. این شهر با شماره ۴۰ در سال ۱۳۱۷ خورشیدی، و با شماره ۷۲۶ در سال ۱۳۴۵ خورشیدی در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. پس از آن تدریجاً استرآباد اهمیت بیشتری نسبت به دیگر شهرهای ناحیه پیدا کرد. از مردان نامی گرگان باید از ابوسعید جرجانی، ریاضیدان و ستاره‌شناس سده سوم؛ ابوالحسن علی‌بن عبدالعزیز جرجانی، قاضی و ادیب سده چهارم؛ ابوبکر عبدالقاهر جرجانی، ادیب و نحوی سده پنجم؛ فخرالدین اسعد گرگانی، شاعر بزرگ سده پنجم؛ ابوالحسن بن محمد لامعی گرگانی، شاعر سده پنجم؛ اسماعیل بن حسین گرگانی که در تقویم ۳۰ فروردین سالروز بزرگداشت این حکیم فرزانه و روز علوم آزمایشگاهی می باشد، از پزشکان مشهور سده ششم؛ و میر سید شریف جرجانی، عالم و متکلم و ادیب سده هشتم و نهم نام برد. سیدابوالقاسم بن ابوطالب میرحسینی فندرسکی مشهور به میرفندرسکی (حدود ۱۰۱۹-۹۴۲خورشیدی)، حکیم، دانشمند و فیلسوف عصر صفویه است. میرزا مهدی خان استرآبادی فرزند محمد نصیر، منشی نادرشاه افشار و از مورخان دوره افشاریه است که دو کتاب مشهور جهانگشای نادری و دره نادره را درباره نادر شاه نوشته‌است. آقامحمدخان قاجار زاده اسفند ۱۱۲۰ ه.خ در محله سرخواجه گرگان بود که در زمان کشاکش میان شاخه‌های ایل قاجار متولد شد. شش ساله بود که توسط عادل‌شاه (دومین پادشاه حکومت افشاریان و برادرزاده نادرشاه) اسیر و سپس اخته شد. او از سال ۱۱۷۴ تا ۱۱۷۵ خورشیدی، شاه ایران بود. او در طول سال‌های ۱۱۵۷ تا ۱۱۷۴ خورشیدی به تحکیم پایه‌های قدرت خود پرداخت که این تلاش‌ها در نهایت به یکپارچه‌سازی دوباره ایران و تأسیس دودمان قاجار شد؛ دودمانی که حدود ۱۳۰ سال بر ایران حکومت کردند. بی‌بی‌خانم استرآبادی یا بی‌بی‌فاطمه استرآبادی (۱۲۳۶ ه‍.ش – ۱۳۰۰ ه‍.ش) نویسنده و از فعالان حقوق زنان در جنبش مشروطه بود. بی‌بی‌خانم در روزنامه‌های حبل المتین، تمدن و نشریه مجلس مقاله می‌نوشت. بیشتر مقالات او در دفاع از آموزش دختران است. بی‌بی‌خانم همچنین اولین دبستان دخترانه ایران را به نام «مدرسه دوشیزگان» بنیان گذاشت و در این راه با مشکلات و موانع مواجه گردید. او یکی از نخستین بیانیه‌های فمینیستی در ایران را ثبت کرد.

این شهر از چه زمانی کاوش شد؟

در کاوش‌های علمی دهه ۵۰ خورشیدی در این منطقه آثار با ارزشی از جمله بقایای معماری، ظروف سفالی منحصربه‌فرد، ظروف شیشه‌ای، فلزی و... به دست آمد. از مهم‌ترین یافته‌های معماری این شهر معابر آجرفرش مربوط به دوران آل بویه، سلجوقی و خوارزمشاهی است، کوره‌های ساخت سفال و فلز و کانال‌های سیستم آبرسانی شهر بود که امروز نیز به‌رغم تخریب‌های فراوان، قابل رویت است. کانال‌های آبرسانی برای انتقال آب گرگان‌رود به شهر و استفاده ساکنان آن ساخته شده بود. همچنین در این کاوش‌ها مشخص شد که شهر با دو دیوار که میان آنها خندقی قرار داشته، احاطه شده بود. شهر از ابتدا دارای جمعیت بسیار بوده و در آن خیابان‌ها، مغازه‌ها و راسته‌های صنفی متعددی وجود داشته است. رودخانه گرگان و چهل چای از میان آن گذشته و آن را به دو قسمت کرده است. ارگ در مرکز شهر در بخش شیعه نشین قرار داشته در زمان مستوفی به نام دهستان معروف بوده و به قول ابن حوقل و استخری به بزرگی ری بوده است. بناهای مذهبی، دولتی و کارگاه‌های صنعتی در میان و اطراف ارگ متمرکز بودند. در دوران سلجوقی امکان ذخیره سازی آب و غذا و نقاط جمع آوری خاکروب و وجود داشته و آب در سطح شهر جاری بوده است. در این دوره تزئینات بنا مثل آجرکاری، کاشی کاری و گچ کاری به اوج خود رسیده است. خرابه‌های شهر جرجان در زمان آبادانی ۱۲۰۰ هکتار را می‌پوشانده که در حال حاضر ۱۵۰ هکتار آن در دو سوی رودخانه باقی است. در این کاوش‌ها بقایای چند اثر ساختمانی از دوره سامانی و سلجوقی، با اتاق‌ها، چاه‌های متعدد، آبراهه و حوض‌های آجری و نیز مسجدی از دوره سلجوقی با طرحی چهار ایوانی و اتاق‌های متعدد یافت شده است. در این کاوش‌ها تعداد زیادی ظرف و اشیای سفالی، آبگینه، سکه، مصنوعات فلزی، کاشی و اشیای استخوانی که قدمت برخی از آن‌ها به دو تا سه هزار سال پیش از میلاد می‌رسد یافت شده است. سفال‌های متعلق به شش دوره تاریخی در این محوطه کشف شده که عبارت‌اند از: دوره ساسانی، اوایل اسلام تا اواخر دوره سامانی، دوره سلجوقی، خوارزمشاهی، ایلخانی، و تیموری تا صفوی. تنوع طرح و نقش و رنگ و لعاب، حاکی از تکامل هنر سفال‌سازی در این دوره‌ها و نشان‌دهنده مناسبات این مرکز با مراکز دیگر مانند ساری، آمل، نیشابور و سمرقند است. زیباترین و بزرگ‌ترین گروه سفالینه‌های کشف شده در جرجان که به اشیای زرین‌فام معروف و با ظروف زرین‌فام کاشان و ری قابل مقایسه‌اند، مشخصاً به سده ششم و هفتم تعلق دارند. یکی از جالب توجه‌ترین یافته‌های این کاوش‌ها، کشف کوره‌های شیشه‌گری بود که تولید ظروف شیشه‌ای منحصربه‌فرد در این شهر را طی قرون میانی اسلامی اثبات می‌کرد. در زمان زیاریان منطقه جرجان از مراکز بازرگانی و فرهنگی منطقه بود، در آن زمان نفوذ زبان پارسی افزایش یافت و در همین سده بود که زبان پارسی جای گویش گرگانی را گرفت. زبان گرگانی که امروزه زبانی منقرض شده است با زبان طبری خوشاوندی نزدیک داشته است. لغت‌نامه دهخدا نیز گویش قدیم گرگانی را نزدیک به زبان مازندرانی و گویش‌های سمنانی دانسته و تصریح کرده است که هنوز هم در روستاهای اطراف گرگان گویشوران زبان مازندرانی زندگی می‌کنند. هرچند که زبان مازندرانی خود از دیدگاه تاریخی به همراه چند زبان دیگر، گویشی وابسته به زبان پارتی (زبان پهلوی اشکانی) است. گویش استرآبادی (گرگانی) در ۶ دی ۱۳۹۵ در فهرست آثار فرهنگی ناملموس کشور ثبت شد.

استرآباد

مقدسی، استرآباد را در کنار گرگان قدیم واقع در محل تلاقی خرمارود (نام قدیم رودخانه زیارت) و گرگان‌رود و بندر آسکون و دهستان از چهار شهر بزرگ ایالت گرگان می‌دانست. استرآباد که در دوره صفوی دوباره اهمیت یافت، همانطور که گفته شد بعد از ویرانی جرجان در حمله مغول‌ها مرکزیت منطقه به تدریج به سمت گرگان امروزی یا همان استرآباد منتقل شد. بنابراین استرآباد و گرگان دو شهر کاملاً مجزا بوده‌اند. استرآباد در دوره شاه عباس یکم، برای اولین بار به عنوان ایالت ذکر گردید. پس از سقوط اصفهان به دست افغان‌ها، استرآباد به اختیار روسیه درآمد؛ اما بعدها نادرشاه بزرگ این شهر را از روسیه پس گرفت. أبو الفداء تاریخ‌نگار و جغرافی‌دان سوری در سال ۷۳۲ قمری درباره استرآباد می‌نویسد: استرآباد میان ساری و جرجان است، در سال‌های نخستین سده کنونی که رابینو، تاریخ‌نگار، جغرافی‌دان بریتانیایی به استرآباد سفر کرد، هنوز دیوارها و برج‌های خشتی حدود ۴ مایل به دور شهر کشیده شده بود و شهر دارای پنج دروازه بوده است. امروزه به غیر از تپه‌ای تاریخی در مرکز شهر گرگان به نام «قلعه خندان» (ارگ استرآباد) که گفته می‌شود پیشینه ۳ هزار ساله دارد که در محدوده شهری و شمال غربی گرگان واقع شده و در سال ۱۳۶۴ ثبت ملی شده است بقیه بخش‌های باستانی این شهر از بین رفته است. نخستین کاوش‌ها در حدود سال ۱۸۴۱ (میلادی) در زیر این تپه که به اعتقاد باستان‌شناسان در اثر فعالیت‌های انسانی در طول زمان شکل گرفته است، انجام و خزانه معروف استرآباد در آن کشف شد، کارشناسان برخی از اشیای موجود در این خزانه را که شباهت بسیار با کشفیات تپه حصار دامغان داشته متعلق به هزاره سوم پیش از میلاد (نزدیک به



در زمان زیاریان منطقه جرجان از مراکز بازرگانی

و فرهنگی منطقه بود، در آن زمان نفوذ زبان

پارسی افزایش یافت و در همین سده بود که

زبان پارسی جای گویش گرگانی را گرفت. زبان

گرگانی که امروزه زبانی منقرض شده است با

زبان طبری خوشاوندی نزدیک داشته است

۵ هزار سال پیش) دانسته‌اند. در سال ۱۹۳۱ میلادی یک گروه آمریکایی از دانشگاه پنسیلوانیا به روستای معروف تورنگ‌تپه رفته و به کاوش و بررسی پرداختند و آثاری ارزشمند از تمدن قدیم در این منطقه یافتند. آثار به دست آمده از تورنگ‌تپه واقع در ۱۹ کیلومتری شرق گرگان کنونی و شاه تپه واقع در ۱۶ کیلومتری غرب آن نشان از حضور و توقف انسان در حدود ۵۰۰۰ سال قبل و در دوره نوسنگی دارد. دو سال بعد هم در سال ۱۹۳۳ میلادی یک گروه باستان‌شناسی سوئدی به منطقه گرگان آمدند و پس از مطالعه حوزه رودخانه قزو یا سیاه آب در شمال گرگان اعلام کردند بیش از ۳۰۰ تپه تاریخی در این منطقه وجود دارد که یکی از آن‌ها شاه‌تپه بزرگ یا اسلام‌تپه است که در ۱۵ کیلومتری شمال غربی گرگان قرار دارد. اصطخری استرآباد را مرکزی مهم برای تجارت ابریشم خام می‌دانست؛ مقدسی اشاره می‌کند که دژ استرآباد تا زمان وی (۳۵۹ ه.ش) به دلیل جنگ‌های آل بویه و زیاریان مخروبه شده بود و خندق دفاعی شهر نیز پر شده بود. زمین‌لرزه شدیدی که تاریخ‌نگاران در ۳۳۵ ه.ش ثبت کرده‌اند نیز می‌تواند یکی از دلایل احتمالی تخریب باشد. در زمان ناصرالدین شاه، شهر استرآباد (گرگان کنونی) در ولایت گرگان، مشهور بود و از لحاظ تجاری از شهرهای مهم ولایت گرگان به شمار می‌آمد و خلیج گرگان محل رفت‌وآمد کشتی‌های تجاری روس بود. در اواخر سده ۱۱ ه.ش استرآباد مرکز اصلی تمرکز قبیله ترکمان قاجار شامل قویونلو



(گوسفندبانان) و دولو (شتربانان) بود. هنگامی که قبیله قاجار در دهه‌های مغشوش سده دوازدهم در نتیجه سقوط صفویه، در حال یکپارچه سازی قدرت‌ش بود، پایگاه آنها در استرآباد قرار داشت. محمدحسن خان قاجار، پدر آغامحمدخان قاجار در سال ۱۱۲۸ شمسی فرماندار استرآباد و جرجان بود و آغا محمدخان قاجار از این شهر رشد و نمو خود را آغاز کرده و بعدها دودمان قاجاریه را پایه گذاشت. استرآباد در زمان قاجاریه به دلیل سکونت تعداد زیاد سادات در آن، دارالمؤمنین خوانده می‌شد. شهر گرگان فعلی تا ۲۰ شهریور ۱۳۱۶ استرآباد نامیده می‌شد. به باور اغلب پژوهشگران، استرآباد مرکب از «استر» و «آباد» است که استر به معنای ستاره و آباد هم به معنای عمارت و آبادی است. برخی معتقدند خشیایارشا این شهر را به خاطر همسرش استر بنا نهاده و آن را استرآباد نامیده است (روایتی در افسانه‌ها). نام کنونی گرگان که جایگزین نام کهنش، استرآباد شده، در واقع، برگرفته از نام همان شهر قدیم گرگان می‌باشد. در اوایل دوره اسلامی نام استرآباد به شکل پراکنده در کتب تاریخی ذکر شده است. یاقوت حموی (قرن ششم شمسی) در کتاب معجم البلدان می‌نویسد: استرآباد شهر بزرگ مشهوریست از اعمال طبرستان در میانه ساری و گرگان از اقلیم پنجم. رضاشاه پهلوی در سال ۱۳۰۵ پس از بازدید از استرآباد این گونه می‌گوید: «چون گرگان نام تاریخی و اسم قدیم این ناحیه است، امر دادم به هیئت دولت ابلاغ نمایند که استرآباد را بعد از این، به نام قدیمی و تاریخی این ناحیه گرگان بنامند، زیرا مدت‌هاست که این اسم، از این دشت و ناحیه، منتزع و متروک مانده است.» البته اولین بار در فرمانی به تاریخ ۱ دی ۱۳۱۱ نام منطقه استرآباد و صحرا به «گرگان و دشت» تغییر داده شد. از آن تاریخ به بعد کم‌کم نام استرآباد از میان رفت و عملاً از سال ۱۳۱۴ به بعد در نشریات و مطبوعات، نام استرآباد دیده نشد. سرانجام در ۲۰ شهریور ۱۳۱۶ به تصویب فرهنگستان «استرآباد» به «گرگان» تغییر یافت. استان گلستان در خرداد سال ۱۳۷۶ به مرکزیت شهر گرگان تأسیس شد. بافت قدیم استرآباد در سال ۱۳۱۰ به عنوان نخستین بافت تاریخی ایران و وسیع‌ترین بافت تاریخی در شمال کشور ثبت ملی شده است. این بافت ۱۶۲ هکتار مساحت دارد. بافت قدیم شهر دارای معماری جذاب و منطبق بر ساخت و ساز دوران قاجاری (بام‌های سفالی و قرمز رنگ، دیوارها و جرزها آجری و رج به رج کنار هم چیده شده) که نمونه‌های کمی از آن به صورت متمرکز در کشور باقی مانده جذابیت زیادی برای گردشگران دارد. این بافت شامل سه محله اصلی به نام‌های نعلبندان، سبزه‌مشهد و سبزه‌میدان است که هر محله دارای گذرهای فرعی‌تر از جمله محلات میخچه‌گران، سرچشمه، دوشنبه‌ای، شیرپشت، درب‌نو، شاهزاده قاسم و میرکریم و... است. این بافت دارای دو بخش اداری و مسکونی بوده که منازل موجود در بخش مسکونی عمدتاً متعلق به اواخر دوره قاجار و اوایل دوران پهلوی است. از خانه‌های تاریخی ارزشمند و موجود در این بافت می‌توان خانه باقری، خانه مفیدیان، خانه میرشهیدی، خانه خراسانی، خانه شفیعی، خانه شیرنگی و خانه امیرلطیفی را نام برد. مسجد جامع گرگان که بنای اولیه آن متعلق به دروه سلجوقی است، در کنار بازار اصلی شهر (بازار نعلبندان) قرار دارد. این مسجد چندین بار در دوره‌های مختلف تعمیر و بازسازی شده و بیشترین بازسازی‌های آن در دوره تیموریان و صفویان و حال انجام شده است. در قدیمی منبت کاری شده، فرمان‌ها و سنگ‌نوشته‌های پادشاهان صفوی و افشار از آثار تاریخی موجود در مسجد جامع گرگان هستند. در ۲۲ بهمن ۱۳۹۱ کاخ آغامحمدخان قاجار تبدیل به «موزه زن در دفاع مقدس» شد. این کاخ تنها اثر به‌جا مانده از دارالحکومه آغامحمدخان است و در بهمن ۱۳۸۳ ثبت ملی شده است. مدرسه عمادیه که حوزه علمیه‌ای متعلق به دوره صفوی است، یکی از قدیمی‌ترین مدارس گرگان و ایران به شمار می‌آید. مدرسه تقوی، یکی دیگر از مدارس تاریخی شهر گرگان، مربوط به دوره قاجار و بخشی از مجموعه تقوی است. عمارت تقوی متعلق به یکی از تجار بزرگ استرآباد به نام تقی‌اف بوده. مدرسه تقوی نیز از جمله نمونه‌های نفیس معماری شهر گرگان محسوب می‌شود. نخستین کتابخانه در گرگان به عصر صفوی (سده ۱۱ ه.ق) بازمی‌گردد که کتابخانه حسین اردبیلی‌نژاد استرآبادی نام داشت. شهرداری گرگان در سال ۱۳۰۴ تأسیس شد؛ اما پیش از آن بلدیة در نزدیکی عمارت آقامحمدخانی وجود داشت. پس از تشکیل شهرداری، بلدیة به محل جدیدش منتقل شد و از سال ۱۳۱۴ نام آن با عنوان شهرداری فراگیر شد.

امروزه در شهر گرگان اقوام متعددی زندگی می‌کنند. سادات استرآبادی، طبری‌ها (مازنی‌ها و کوتول‌ها)، بلوچ‌ها، سیستانی‌ها، کردها، ترک تباران (آذربایجانی‌ها، قزلباش‌ها، ترکمن‌ها و قزاق‌ها) و مهاجرانی از دیگر استان‌های کشور همچون سمنان و خراسان از ساکنان استان گلستان هستند اما با این حال اکثریت این شهر طبری‌ها هستند. در فاصله سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۱ شماری از قزاق‌ها از شوروی به ایران مهاجرت کرده و در گنبدکاووس، بندر ترکمن و گرگان ساکن شدند و محل سکونتشان در هر سه شهر قزاق‌محله نام گرفت. (برخی از قزاق‌ها در سال ۱۳۷۰ هنگام تشکیل کشور قزاقستان به آنجا برگشتند). مردم گرگان از نظر آداب و رسوم و سنن و به ویژه زبان در پیوند با استان همجوار مازندران هستند.

*زبان: لغت نامه دهخدا: پرورنده رز یعنی تاک انگور

نویسنده و پژوهشگر در حوزه محیط زیست و تاریخ

بازگشت رئیس‌جمهور و هیئت عالی رتبه همراه از بیست و پنجمین نشست سران سازمان همکاری شانگهای در قرقیزستان و توقف چند ساعته هواپیمای حامل آنان در فرودگاه بین‌المللی سردار جنگل رشت، حاوی درس‌های مدیریتی و اقتصادی عمیقی در حوزه توسعه منطقه‌ای است. در جریان این توقف کوتاه، مدیریت ارشد استان گیلان با هوشمندی از فرصت بهره جست و گزارشی راهبردی از ظرفیت‌های تجاری، بندری و لجستیکی استان در تأمین کالاهای اساسی کشور به رئیس دولت ارائه داد. این رویداد مصداق بارز «چابکی نهادی» و «بهره‌برداری از پنجره‌های فرصت گذرا بر بستر زیرساخت‌های آماده» است. اما مقایسه این کنشگری فعال با مختصات کنونی استان گلستان، این پرسش اساسی را پیش روی نخبگان و مدیران استان قرار می‌دهد: چرا استانی با موقعیت ژئواکونومیک بی‌نظیر، در معادلات کلان ملی و اقتصادی جایگاهی متناسب با ظرفیت‌هایش ندارد؟

در جریان نشست بیشکک و دیدار دوجانبه رؤسای جمهور ایران و قرقیزستان، محورهای راهبردی متعددی به تصویب رسید؛ از جمله تصویب «برنامه اقدام برای توسعه بندر و مراکز لجستیکی ۲۰۲۶ تا ۲۰۳۰»، تأکید بر اجرای موافقت‌نامه تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، توافقات حوزه کشاورزی و دامپروری و بررسی ایجاد مراکز لجستیکی و ترانزیتی مشترک برای اتصال آسیای میانه به خلیج فارس و آب‌های آزاد. بررسی این مصوبات نشان می‌دهد که استان گلستان به لحاظ جغرافیایی و اقتصادی، طبیعی‌ترین و کوتاه‌ترین دروازه زمینی و ریلی برای تحقق این اهداف است. گلستان از طریق مرز و پایانه ریلی اینچه‌برون، خط اتصال مستقیم



معمای زیرساخت و بهره‌وری در شرایط ویژه کشور

سکوت ظرفیت‌ها در گلستان



حسین شهری

و بلند کردن سطر را از ش گرفته. جوابم: «گیرم اینطور! چه بهتر!» که البته خیلی سراسیمه نیست ماجرا. ببینیم «نیما یوشیج» چه کرده؟ خیلی کار! ولی دقیقاً ببینیم اون محل نزاع رؤیایی و اخوان ناظر به چه جنبه‌یی از نیما بوده! جواب می‌تونه «فرم» باشه و یا دقیق‌تر «انسجام فرمیک»! حالا کار کجا غمیش دار می‌شه؟ خود اخوانم چه تو اظهارات پراکنده و چه تو کتاب «بدعت‌ها و بدایع نیما یوشیج» اهمیت نیما رو تو این انسجام و هماهنگی فرم و محتوا دادن به شعر می‌دونه و این که تو کار نیما با یه «اثر» روبرو می‌شیم؛ با تنیدگی و ... خب چه بهتر که به خاطر میل روایی «سوم برادران سوشیانس» و سبکی سبک خراسانی خودش پی این تنیدگی و پیچیدگی نرفت و تا اینجا می‌گم «چه بهتر!» چون تو نگاه پس‌اساختارگرایانه که من دارم و متن رو به اثر برتری می‌دم، دقیق‌تر این که نگاه متنی رو برتری می‌دم به نگاه منجر به اثر، و حتا نیما رو سوای کارای مهمی که کرد بابت بازگردوندن سامانه استعاریک به شعر رُک و موضوع‌محور پس‌امشروطه تحسین نمی‌کنم و از این جنبه محافظه‌کار می‌دونم، قطعی یه موهبت می‌دونم برای فارسی که اخوان به سمت حرف و روایت و گفتن و حتا کالجی رفت با وجود این که مسیری خلاف این رو تو نیما می‌پسندید. فقط یه ان‌قلت می‌مونه: تو ویژه‌نامه‌یی که پس از مرگ این حماسه‌سرای شکست نشریه «آدینه»



از تهی سرشار

نیما صفار

بچه های گلشن مهر خواستن صحبتامو درباره «مهدی اخوان ثالث» در انجمن حافظ، نوشته کنم، که چون عمده‌ش مربوط می‌شد به پرسونای «مهدی اخوان ثالث» و مفصله ماجراش، میرم سراغ بخش دوم حرفام: احتمالاً شنیدی این نظر «یدالله رؤیایی» رو که «اخوان» اصلن «نیما» رو نفهمیده و فقط کوتاه

ایران به ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان و کل بلوک شرق است. همچنین گلستان به عنوان یکی از قطب‌های اصلی کشاورزی و تولید پروتئین، دانه‌های روغنی و غلات، مستعدترین بستر برای تبدیل‌شدن به هاب واردات نهاده‌های دامی، فرآوری، ذخیره‌سازی استراتژیک و صادرات مجدد در شرایط ویژه اقتصادی و تحریمی کشور به شمار می‌رود.

با وجود این مزیت‌های مطلق، عدم تبدیل این پتانسیل‌ها به بهره‌وری عینی ناشی از چند مانع ساختاری است:

نخست، نارسایی در زیرساخت‌های لجستیک ترکیبی و مرزی؛ خط ریلی اینچه‌برون علیرغم جایگاه راهبردی‌اش، به دلیل کمبود خطوط فرعی، فقدان سوله‌ها و انبارهای استاندارد گمرکی، عدم برقی‌سازی و مکانیزه نبودن سامانه‌های تخلیه و بارگیری سریع، به ظرفیت اسمی خود نرسیده است. در حوزه جاده‌ای نیز مسیرهای مواصلاتی مرزی نیازمند بهسازی اساسی برای پشتیبانی از بارهای حجیم ترانزیتی هستند.

دوم، انقطاع در زنجیره ارزش و ضعف صنایع فرآوری؛ نبود پایانه‌های تخصصی صادرات کشاورزی، سیلوهای استاندارد هوشمند و صنایع تبدیلی مدرن موجب شده محصولات استان با ارزش افزوده پایین خارج شوند و گلستان نتواند به عنوان بارانداز و ذخیره‌گاه کالاهای اساسی نقش‌آفرینی کند.

سوم، ناترازی‌های انباشته در زیرساخت‌های انرژی؛ محدودیت‌های مداوم گاز و برق مانع از استقرار صنایع بزرگ‌مقیاس و فعال‌سازی کامل ظرفیت منطقه آزاد تجاری-صنعتی اینچه‌برون شده است.

آنچه در فرودگاه رشت رخ داد اثبات کرد که

مدیران توسعه‌گرا معطل روال‌های طولانی اداری نمی‌مانند؛ بلکه با در دست داشتن بسته‌های سرمایه‌گذاری مصوب و طرح‌های توجیهی آماده، از یک توقف چند ساعته در میانه پروازی دیپلماتیک، بستری برای چانه‌زنی ملی، مطالبه اعتبارات و معرفی استان به عنوان ستون امنیت تجاری کشور خلق می‌کنند. اگر توقف مشابهی در فرودگاه گرگان اتفاق می‌افتاد، دستگاه اجرایی استان چه بسته کارشناسی مدونی از اتصال طرح‌های منطقه آزاد و بندر خشک اینچه‌برون به اسناد لجستیکی سازمان شانگهای، تأمین امنیت غذایی و کریدور شرق خزر برای ارائه روی میز رئیس‌جمهور آماده داشت؟

برای گذار از این عقب‌ماندگی ساختاری، اقدامات زیر ضروری است:

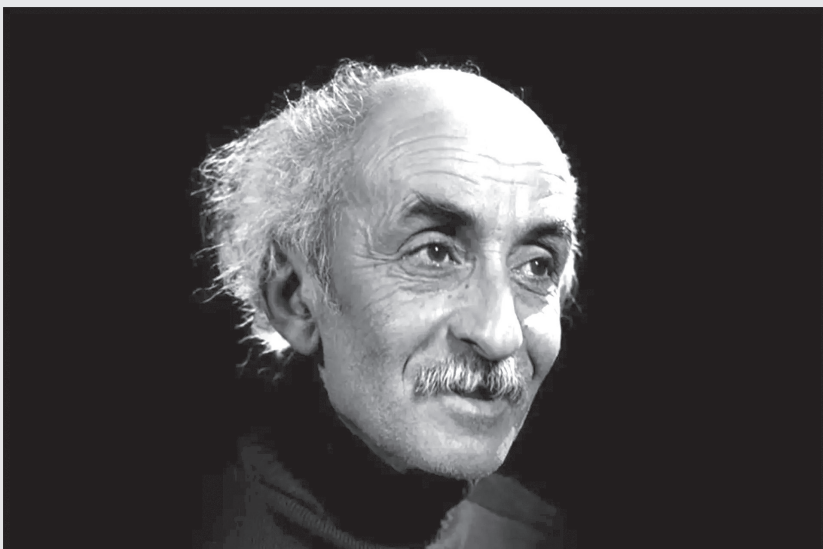
۱- هم‌راستاسازی طرح جامع منطقه آزاد اینچه‌برون با برنامه‌های لجستیکی ۲۰۲۶-۲۰۳۰ سازمان شانگهای و تجارت آزاد اوراسیا؛

۲- تمرکز اعتبارات ملی بر تکمیل خطوط ریلی فرعی، توسعه انبارهای مسقف و مکانیزاسیون پایانه اینچه‌برون؛

۳- جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در احداث سیلوها و کارخانجات فرآوری غلات و دانه‌های روغنی وارداتی؛

۴- ارتقای چابکی نهادی و کنشگری دیپلماتیک مدیران ارشد و مجمع نمایندگان استان جهت دفاع مؤثر از منافع استان در پایتخت.

بهره‌وری اقتصادی صرفاً با داشتن موقعیت جغرافیایی محقق نمی‌شود؛ بلکه محصول زیرساخت‌های فیزیکی آماده و سرعت عمل در تصمیم‌گیری است. گلستان نباید بیش از این نظاره‌گر جهش سایر استان‌ها در استفاده از فرصت‌های راهبردی کشور باشد.



عرض، مکاشفات محشری داره که هم از لحاظ ادراک و هم زبان و هم زاویه نگاه و ... بی‌نظیرن ولی اغلب اون لحظات تو کلیت شعر که گرایشی کنایی-استعاریک داره، خرج، و شاید حیف، می‌شن که البته بابت این خرده نمی‌شه گرفت بهش. هنوزم غایت تو داستان‌نویسی فارسی تولید یه کلیت و درآوردن استعاره و کنایه از اون. شایدم تو این شرایط چاره‌یی جز اینم نباشه ...

درآورده بود براش، عکسای قشنگی ازش که خلیلم فتوژنیک بود، زده بودن اول هر مطلب و تیتتر مطالب سطر از شعراش بود. برای ما که اون زمان تو دوران دانشجویی تو کتابای شاملو و اخوان و سهراب و فروغ می‌لیدیدیم و ازیر بودیم کلی از کاراشونو، این مواجهه با سطر جد با فونت درشت، انگار کشف دوباره‌ش بود. بعد فکر کردم دوباره خوندم و دیدم اخوان، تو به قول شعرحجیمیا